

# مرد دروغ گو

# از اتهام قتل تبرئه شد

**گروه حوادث/** مرد جوان که در یک

محفل دوستانه به دروغ مدعی شده بود دختر مورد علاقه اش را از کوه به پایین پرت کرده با شکایت پدر دختر

جوان محاکمه اما تبرئه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آبان سال ۸۷ با خبر مرگ مشکوک دختر جوانی به نام صدف که از ارتفاعات فیروزکوه سقوط کرده بود، آغاز شد.

با حضور و بررسی پلیس از صحنه حادثه احتمال این داده شد که صدف به عمد از ارتفاعات به پایین پرتاب شده است. در ادامه، مأموران با کار میدانی تحقیقاتشان را پیش گرفته و با چند نفر از شاهدان که در محل حضور داشتند، صحبت کردند.

یکی از شاهدان به مأموران گفت: ما پایین‌تر از محلی بودیم که دختر جوان فرار داشت اما به یکباره با صدای جیغ او متوجه شدیم سقوط کرده است.

## تکدی‌گری دختر ۱۴ساله

## بعد از سرقت طلاهای مادر

**گروه حوادث/** دختر نوجوان که با فریب خواستگار

قلابی از خانه فرار کرده بود به خاطر ترس از بازگشت به خانه، تکدی‌گری را انتخاب کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل مرد جوانی با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن دخترش خبر داد؛ مینا امروز برای دیدن یکی از دوستانش از خانه خارج شد ولی دیگر برنگشت. با دوستش تماس گرفتیم، او گفت که اصلا با مینا قرار نداشته است. از طرفی دختر ۱۴ ساله‌ام، شناسنامه و طلاهای خودش و مادرش را به سرقت برده است.

با شکایت مرد جوان تحقیقات برای یافتن دختر نوجوان آغاز شد و یک هفته بعد مأموران پلیس حین گشت در یکی از پارک‌های جنوب تهران متوجه دختر جوانی شدند که در حال تکدی‌گری است. مأموران به او مشکوک شده و در تحقیقات مشخص شد که وی همان دختری است که یک هفته قبل ناپدید شده است.

مینا در تحقیقات گفت: مدتی قبل با پسری به نام سروش در اینستاگرام آشنا شدم. او از همان ابتدا ابرو علاقه کرد و گفت می‌خواهد با من ازدواج کند. اما چون سروش ۱۶ سال از من بزرگتر بود گفت خانواده‌ات مرا قبول نمی‌کنند چون من ۳۰ ساله هستم و تو ۱۴ ساله و خانواده‌ات با ازدواج ما موافقت نمی‌کنند.

او ادامه داد: به همین دلیل از من خواست از خانه فرار و با او ازدواج کنم من که عاشقش بودم قبول کردم اما سروش از من خواست طلاهای خودم و مادرم را از خانه بردارم و قرار شد او هم طلاهای مادرش را بیاورد تا آنها را بفروشیم و با اجاره خانه‌ای، زندگی جدیدی را آغاز کنیم. طبق نقشه سروش طلاها و شناسنامه‌ام را برداشتم و از خانه خارج شدم.

به محل قرار با سروش رفتم او طلاها را از من گرفت تا بفروشد اما بعد از آن دیگر او را ندیدیم. من که طلاها را ردزیدم و از خانه فرار کرده بودم، ترسیدم به خانه برگردم. از طرفی چون جایی برای ماندن نداشتم و هیچ پولی هم برابیم نمانده بود شروع به تکدی‌گری کردم تا خرج زندگی‌ام را به‌دست آورم و شب‌ها در پارک می‌خوابیدم.

با پیدا شدن دختر نوجوان، خانواده مینا از پسر جوان که دخترشان را فریب داده بود شکایت کردند. به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

شاهد دیگری نیز گفت: دختر جوان

با شدت سقوط کرد و به زمین خورد و پس از آن هم خونریزی کرد. ما با اورژانس تماس گرفتیم اما پیش

از رسیدن اورژانس او فوت کرد. مشخص هم نشد تعادلش را از دست داد یا نتوانست از راه باریک مسیر عبور کند اما زمان سقوط سرعتش خیلی زیاد بود.

پس از آن جسد صدف با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.

تحقیقات نشان می‌داد که مورد مشکوکی در بروز حادثه وجود ندارد ضمن اینکه پزشکی قانونی هم در گزارشی اعلام کرد که متوفی بر اثر شدت جراحات وارده به سر در پی سقوط از ارتفاع و خونریزی شدید جان باخته است.

در حالی که ۱۲ سال از ماجرا گذشته بود و به نظر می‌رسید پرونده دختر جوان مختومه شده است، پدر صدف در خرداد سال ۹۹ با حضور در اداره

آگاهی و طرح یک ادعا مبنی بر

اینکه به پسر جوانی به نام شاهین که خواستگار دخترم بود ظنن هستم، شکایتی را ثبت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: شاهین خواستگار دخترم بود اما به خاطر اینکه شرایط مناسبی برای ازدواج نداشت به او جواب منفی دادیم. حالا متوجه شدم روزی که آن حادثه برای صدف رخ داد شاهین هم در محل بود. فکر می‌کنم او دخترم را از ارتفاع به پایین هل داده است.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا پس از ۱۲سال از آن شخص شکایت کرده‌اید گفت: صدف به بیماری صرع مبتلا بود و ما در آن دوران فکر می‌کردیم شاید در مسیر صعود دچار حمله تشنجی شده و از ارتفاع سقوط کرده است، اما چند وقت پیش چند نفر از دوستان مشترک صدف و شاهین گفتند که شاهین به آنها گفته چون پدرش جواب منفی داد به

## الماس ۱۰ قیراطی

# سرنخ دستگیری سارقان نقاب دار

کرده است.

سرقت از انباری‌ها و مغازه‌ها را طراحی و اجرا کرده بودند وقتی می‌خواستند الماس ۱۰ قیراطی را بفروشند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۶ آبان تاجر میانسالی با پلیس تماس گرفت و از سرقت مغازه‌اش در حوالی بازار خبیر داد. او گفت: اینجا هم مغازه و هم دفتر کارم است. صبح که به محل کارم آمدم متوجه شدم که از مغازه سرقت شده و گاوصندوقم را هم با خود برده‌اند. داخل گاوصندوق یک الماس ۱۰ قیراطی تراش نخورده به مبلغ ۲ و نیم میلیارد تومان به همراه ۵۰ میلیون تومان پول نقد و ۷۰ برگه چک متعلق به مشتری‌ها بود. سارقان همچنین لپ‌تاپ و دو هزار جین لباس زنانه به مبلغ یک و نیم میلیارد تومان از انبار کنار مغازه ام، سرقت کرده‌اند.

بدنبال این تماس، مأموران راهی محل شده و در بازرسی از محل مشخص شد که بیرون مغازه مجهز به دوربین‌های مداربسته بوده اما سارقان دوربین‌ها را از کار انداخته‌اند. از طرفی مشخص شد عاملان این سرقت میلیاردری قفل در اول را با شاه کلید و قفل در دوم مغازه را با دیلم باز کرده‌اند.

در حالی که سارقان هیچ رد و سرنخی از خود به جا نگذاشته بودند و با تخریب دوربین‌ها هیچ تصویری از آنها در دست نبود، صاحب مغازه اطلاعات جدیدی به پلیس داد و گفت: از آنجایی که داخل گاوصندوق الماس بود و می‌تسیدم که نکند مغازه مورد سرقت قرار بگیرد، من یک دوربین مخفی داخل مغازه کار گذاشتم. دوربینی که سارقان از وجود آن بی‌خبر بودند و به همین دلیل آن را تخریب نکرده‌اند. دوربین تصاویر سارقان را از زمان ورود تا ترک مغازه به صورت کامل ضبط

■ سه‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۸۰۵۳



تعمیم که چرا بعد از این همه سال پدرش چنین ادعایی را مطرح کرده است.

با ادعای شاهین مبنی بر اینکه روز شد سپس تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: قبول دارم که در آن زمان به صدف علاقه‌مند بودم اما پس از مخالفت خانواده‌اش با ازدواج ارتباط ما کم‌رنگ شد. در روزی هم که صدف دچار حادثه شد من در کوه نبودم و در

صدف در کوه تعرض کردم و بعد هم

او را به پایین انداختم.

با اظهارات پدر صدف، شاهین در دی سال گذشته شناسایی و بازداشت شد سپس تحت بازجویی قرار گرفت

و گفت: قبول دارم که در آن زمان به صدف علاقه‌مند بودم اما پس از مخالفت خانواده‌اش با ازدواج ارتباط ما کم‌رنگ شد. در روزی هم که صدف دچار حادثه شد من در کوه نبودم و در



بود، مشاهده کردند.زمانی که تصاویر به سارقان نشان داده شد: آنها مدعی شدند پارچه متعلق به خودشان بوده و بعد از مدتی هم آنها را فروخته‌اند. اما

اظهارات آنها برای مأموران قابل قبول نبود. مأموران با شماره تلفن همراهی که روی طاق پارچه نوشته شده بود تماس گرفته و بدین ترتیب راز دومین سرقت آنها بر ملا شد.

متهمان که راهی جز بیان حقیقت نداشتند، در بازجویی‌ها به سرقت مغازه مرد تاجر اعتراف کردند. یکی از آنها گفت: بعد هم در نزدیکی بازار رفتم، متوجه شدم طاقه‌های پارچه‌ام به سرقت رفته است. ارزش طاقه‌های پارچه یک و نیم میلیارد تومان بود بافلاصه این سرقت را به پلیس گزارش کردم.تصاویر طاقه‌های پارچه به مرد مایلخته نشان داده شد و او پارچه‌هایش را شناسایی کرد.با مشخص شدن این موضوع و

کلاتتری و اورژانس تماس گرفته و موضوع را اطلاع دادند. با حضور اورژانس جسد متوفی برای بررسی علت فوت به پزشکی قانونی منتقل شده است. طبق اعلام پزشکی قانونی در عملیات آتارکوبی و ضرب و شتم و شکستگی روی بدن متوفی مشاهده نشده بود.

پزشکی قانونی برای تعیین علت فوت آزمایش سم‌شناسی اخذ کرده که نتایج آزمایش سم‌شناسی نشان داد یلدا آقافضلی

به علت مصرف بیش از اندازه مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه آوردوز کرده و جان

باخته است. قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی استان تهران نیز در رابطه با فوت یلدا آقافضلی گفت: تحقیقات به عمل آمده قضایی و گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد که فرضیه خودکشی مطرح نیست

و این فرد به علت مصرف بیش از حد مواد مخدر از نوع شیشه جان خود را از دست داده است.

# ۱۹ | حوادث

### درخواست طلاق به‌خاطر سادگی همسر

**گروه حوادث/**مرد جوان شش ماه پس از مراسم عروسی به بهانه اینکه همسرش زنی ساده و شهرستانی است و دوستانش لهجه او را مسخره می‌کنند تقاضای طلاق داد.

اوایل هفته زوجی جوان به یکی از شعبه‌های دادگاه خانواده مراجعه کرده و در انتظار رسیدن نوبت بررسی پرونده‌شان بودند. وقتی منشی دادگاه آنها را به داخل شعبه فرا خواند قاضی که با مطالعه پرونده تا حدودی در جریان مشکلات آنها قرار گرفته بود رو به مرد جوان به نام آرمین کرد و گفت: اینطور که من متوجه شدم شما درخواست جدایی داده‌اید. شما تازه ۶ ماه است ازدواج کرده‌اید دلیل این درخواست چیست؟

آرمین از جایش بلند شد و گفت: جناب قاضی من و این خانم در دانشگاه با هم آشنا شدیم او دختری شهرستانی و از خانواده‌ای ساده و سنتی است که برای ادامه تحصیل به تهران آمده و رفتارش کاملاً بچگانه و ساده بود. اوایل آشنایی و دوستی این رفتارهای جذاب بود چون برخلاف برخی دخترها هفت‌خط و فریبار نبود و همین سادگی و بی‌شیله‌پیله بودنش مرا جذب کرد.

وقتی پیشنهاد ازدواج دادم و خانواده‌ها نیز قبول کردند با هم ازدواج کردیم، ما هنوز درسمان تمام نشده و دانشجو هستیم اما الان مشکل من با همسرم این است که آنطور که من می‌خواهم رفتار نمی‌کند.

من فکر می‌کردم مونا بعد از ازدواج و زندگی در تهران کمی رفتارش معتدل‌تر شود و از این همه سادگی دست بردارم چندپاره به او گفتم وقتی با دوستانم بیرون می‌رویم یا به خانه ما می‌آیند با لهجه شهرستانی صحبت نکن، سؤالات کاذبانه نپرس کمی اطلاعاتت را درباره مسائل

بالا ببر تا اطرافیان تو را دست نیندازند اما او قبول نمی‌کند.

واقعا خسته شدم او با من خیلی فرق دارد. جناب قاضی رفقای من اغلب بلاگر هستند و به روز زندگی می‌کنند اما همسر من مثل یک زن ۵۰ ساله رفتار می‌کند مثل مامانم همش به من می‌گوید این کار را بکن این کار را نکن. منم می‌گویم این لباس را نپوش، سیگار نکش، اینجا نرو و... لطفاً حکم طلاق ما را صادر کنید من دیگر نمی‌خواهم در جمع دوستانم مورد تمسخر قرار بگیرم.

مونا در همین موقع دستش را بالا آورد و در حالی که اجازه صحبت می‌خواست، گفت: آقای قاضی من می‌گویم سیگار نکشد چون برای سلامتی‌اش ضرر دارد. می‌گویم مثل دوستانش لباس‌های جلف نپوشد چون او دیگر متاهل است و باید رفتارش مردانه باشد.

به او می‌گویم من نمی‌توانم مثل برخی از این بلاگرها آرایش کنم و لباس بیوشم چون از سبک زندگی آنها خوشم نمی‌آید اما حالا می‌بینم که آرمین سرا نمی‌خواهد. بهتر است این زندگی با حکم طلاق تمام

شود تا من هم از دست رفتارهای بچگانه او راحت بشوم.

آرمین مرد زندگی نیست اگر همین الان دوستانش من را تأیید کنند نظرش عوض می‌شود و من بهترین زن دنیا می‌شوم اما چون دوستانش به او گفته‌اند این چه زنی است گرفته‌ای، دلش را زده‌ام. جناب قاضی من هم موافق طلاق هستم حتی مهریه هم نمی‌خواهم دیگر خسته شده ام.

قاضی گفت: رفتار شما نشان می‌دهد که برای ازدواج هنوز آمادگی نداشته‌اید ولی با این حال باید دو ماه به کلاس‌های مشاوره بروید اگر مشکلاتان حل نشد آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم. یادتان باشد زندگی مشترک نیاز به همفکری و همراهی زن و شوهر با هم دارد.

■ **امیرحسین صفدری /کارشناس حوزه خانواده**

در این پرونده می‌بینیم که سن کم، انتخاب هیجانی و احساسی، نبود ثبات شخصیتی و درک متقابل و تضاد فکری، از عوامل اصلی جدایی زوج‌های جوان در این روزهاست.

مشاهده می‌کنید که در این پرونده آرمین در یک حال وهوای دیگر زندگی می‌کند و مونا هم خواسته‌های دیگری دارد. این تضاد فکری سبب شده است که زوج جوان همدیگر را درک نکنند و نسبت به کوچک‌ترین مسأله‌ای در زندگی مشترکشان با هم به اختلاف بخورند و همین مسأله قطعا سبب می‌شود که آنها از نظر عاطفی از یکدیگر فاصله بگیرند و در نهایت به مرحله طلاق عاطفی برسند که سبب جدایی آنها می‌شود.قبل از ازدواج این زوج جوان باید در خصوص تمام مسائل زندگی مشترکشان با هم گفت‌وگو و این تضادها را شناسایی و بر اساس صداقت و درستی همه چیز را بیان می‌کردند.

مشکل اصلی آنها این است که فکر می‌کردند می‌توانند همدیگر را تغییر بدهند اما زندگی به شرط تغییر یک امر اشتباه است. زوج‌های جوان باید تضادهای بین خودشان را شناسایی و تلاش کنند آنها را تبدیل به نقاط قوت خود کنند نه اینکه دنبال جدایی باشند.

## ۳ کشته

### در تیراندازی دانشگاه ویرجینیا

تیراندازی در دانشگاه ویرجینیای آمریکا، سه کشته و دو مجروح بر جای گذاشت.

پلیس ویرجینیا دوشنبه در تویییتی از تیراندازی اواخر یکشنبه (به وقت محلی) در محوطه این دانشگاه خبر داد و افزود: این تیراندازی سه کشته و دوزخمی بر جای گذاشته است.

به گزارش سی‌ان‌ان، رئیس دانشگاه ویرجینیا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: یکشنبه شب در پردیس این دانشگاه تیراندازی شده که ۳ فوتی و ۲ مجروح بر جای گذاشته است. بنا بر اعلام پلیس منطقه، فرد مظنون «کریستوفر دارنل جونز» یکی از دانشجویان این دانشگاه است. پلیس دانشگاه ویرجینیا ضمن بیان اینکه مظنون هنوز آزاد است، او را مسلح و خطرناک خواند.پلیس ویرجینیا تلاش برای یافتن این مظنون را آغاز کرده و از هلیکوپتر پلیس این ایالت برای عملیات جست‌وجوی وی استفاده شده است. گفته شده مظنون به تیراندازی در سال ۲۰۱۸ در

لیست دانشجویان دانشگاه ویرجینیا قرار داشته است.

مقامات دانشگاه ویرجینیا هویت قربانیان مبنی بر دانشجوی بودن یا نبودن آنها را اعلام نکردند. دو فرد مجروح هم اکنون تحت مراقبت‌های پزشکی هستند و برگراری کلاس‌های دوشنبه این دانشگاه نیز لغو شده است.

در این میان، «رابین اس دلی» معاون دانشجویی دانشگاه ویرجینیا به دانشجویان اعلام کرد در وضعیت آماده‌باش باشند و دستورات ایمنی دانشگاه را جدی بگیرند.

